



Nicos Weg | A1

متن گفت‌وگو و فهرست واژگان

(۹) زندگی شغلی | Traumberufe

در حینی که ماکس و نیکو منتظر لیزا هستند، ماکس متوجه می‌شود که نیکو از چیزی ناراحت است. وقتی از نیکو علت را می‌پرسد، متوجه می‌شود که چرا نیکو راهی آلمان شده است. نیکو برای او تعریف می‌کند که نمی‌خواهد کاری را که پدر و مادرش از او انتظار دارند، انجام دهد.

متن گفت‌وگو

MAX:

Du bist so **still**. Was ist denn?

NICO:

Ich will nicht mehr studieren. Nie wieder. Ich **hasse** es.

MAX:

Aber?

NICO:

Aber meine Eltern **wollen** das. Mein Vater sagt immer, ich muss studieren.

MAX:

Bist du deshalb in Deutschland?

NICO:

Ich will **weg** von **zu Hause**. Weit weg!

MAX:

Und was willst du hier machen?

MAX/NICO:

Und?

LISA:

Ich hab den Job!

MAX/NICO:

Ja!



Nicos Weg | A1

متن گفت‌وگو و فهرست واژگان

واژگان (متن گفت‌وگو و درس)

der Architekt, die Architekten – معمار، آرشیتهکت (مرد)

die Architektin, die Architektinnen – معمار، آرشیتهکت (زن)

der Designer, die Designer – طراح (مرد)

die Designerin, die Designerinnen – طراح (زن)

der Fotograf, die Fotografen – عکاس (مرد)

die Fotografin, die Fotografinnen – عکاس (زن)

etwas/jemanden hassen – از چیزی / کسی متنفر بودن –
hasst, hasste, gehasst

die Reise, die Reisen – سفر، مسافرت

still – ساکت
still, am stillsten

weg – به دور بودن

etwas werden – شدن (به شغلی رسیدن) –
wird, wurde, ist geworden

die Werkstatt, die Werkstätten – کارگاه؛ تعمیرگاه

wollen – خواستن
will, wollte

zu Hause – در خانه، در منزل